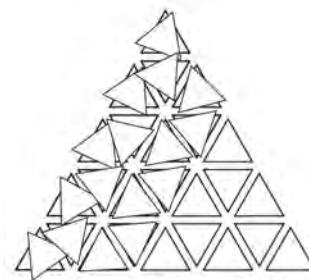


معماری خانه های بومی مردم پسند در روستاهای استان مرکزی^۱

محسن سرتیپی پور^۲

دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۷

پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۲



فصل نامه برنامه ریزی کالبدی- فضایی
Journal of Physical - Spatial Planning

چکیده

ایران کشوری پهناور با بالغ بر ۶۳۸۹۸ روستاست که محدوده ای نزدیک به ۶۰٪ از وسعت سرزمینی ایران را به خود اختصاص داده اند. جمعیت ساکن در محدوده های روستایی کشور حدود ۲۳ میلیون نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) است. طی سال های اخیر تامین محیط و مسکن مناسب برای روستائیان همواره مورد توجه بوده و از حدود دو دهه قبل طرح ملی ساخت سالانه ۲۰۰۰۰۰ واحد مسکونی روستایی در حال اجرا بوده است. استان مرکزی با ۴۱۹۱۸۴ نفر جمعیت روستایی و ۱۲۷۸ روستا، و مساحتی بالغ بر ۲۹۱۲۵ کیلومترمربع از کشور (۱/۸٪) از جمله استان هایی است که این طرح در آن اجرا می شود. مطابق آمار سال ۸۵ مرکز آمار ایران ۹۹۸۴۲ واحد مسکونی روستایی در این استان وجود دارد که نوسازی آن ها شروع شده و طی برنامه چهارم توسعه سالانه حدود ۴۵۰۰ واحد مسکونی جدید در آن اجرا شده که این روند در برنامه پنجم توسعه نیز ادامه خواهد داشت. وجود نمونه های ارزنده مسکن بومی روستایی در استان و ضرورت اطلاع از ویژگی ها و ارزش های پایدار آن ها با این دورنما که چنین ارزش هایی می تواند در طرح مسکن جدید بکار گرفته شود، ضرورت مطالعات معماری مسکن در این استان را از اهمیت ویژه ای برخوردار نموده است. مقاله پیش روی با هدف شناخت مسکن روستایی این استان و معرفی گونه های عمده و رایج مسکن تهیه شده و شامل سه بخش است. بخش نخست به بررسی کلیات موضوعی، مقدمه، روش تحقیق، معرفی استان و روش انتخاب ۳۵ روستای نمونه از میان ۱۲۸۷ روستای موجود استان و ۱۰۲ واحد مسکونی نمونه اختصاص دارد. بخش دوم به معرفی ویژگی های مسکن و عناصر تشکیل دهنده آن می پردازد. بخش سوم به یافته های پژوهش و معرفی گونه های غالب و مورد اقبال مسکن، جمع بندی و نتیجه گیری اختصاص دارد.

کلید واژه: روستا، مسکن روستایی، گونه شناسی، استان مرکزی.

۱. این مقاله برگرفته از طرح گونه شناسی مسکن روستایی استان مرکزی است که با پشتیبانی مالی معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی در هسته پژوهشی معماری روستایی دانشکده معماری و شهرسازی تهیه شده است.

لازم است از همکاران پروژه آقای محمد مهدی هادیان، خانم زینب جعفریان، آقایان محمد دهقانپور و محمد هادی هادیان که در برداشت های میدانی، ترسیم، بازخوانی و اصلاح نقشه ها و تهیه گزارش همکاری داشته اند تشکر و قدردانی نمایم.

۲. استاد گروه آموزشی معماری، دانشگاه شهید بهشتی و هسته پژوهشی معماری روستایی دانشکده معماری و شهرسازی.

آدرس: ولنجک- دانشگاه شهید بهشتی- دانشکده معماری و شهرسازی تلفن: ۰۹۱۲۱۱۲۳۵۰۸

پست الکترونیک: m-sartipi@sbu.ac.ir

مقدمه

آنجایی که اصولاً در مطالعات گونه شناسی مراجعه به تمامی روستاها و برداشت واحدهای مسکونی مقدور نیست و چنین انتظاری نیز ضروری به نظر نمی‌رسد، اتخاذ روش مناسب نمونه گیری به نحوی که در برگزیده مسکن غالب روستایی استان باشد تاثیر تعیین کننده‌ای در کیفیت نتایج و اعتبار آنها دارد. از این رو، پهنه‌های اقلیمی استان و تفاوت‌های جغرافیایی، تقسیمات سیاسی، معیشتی و جمعیتی مهم‌ترین مبنای انتخاب روستاهای نمونه در نظر گرفته شد. روستاهای نمونه از میان پهنه های مختلف جغرافیایی اقلیمی موجود در استان و به نحوی انتخاب شد تا در برگزیده انواع مشاغل رایج و طیف‌های گوناگون جمعیتی باشد. از آنجایی که نمونه های نهایی باید واجد تنوع در پراکنش و توزیع مناسب از نظر تقسیمات سیاسی، وضعیت اقلیمی و نوع معیشت باشد، ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی، سهمیه‌ای، هدفمند مورد توجه قرار گرفت و نهایتاً از بین ۱۲۷۸ روستای استان، ۳۴ روستا به عنوان نمونه انتخاب شد (سرتیپی پور، ۱۳۸۹). در مرحله بعد برای انتخاب خانه‌های نمونه از طریق تصادفی ۱۰۴ واحد مسکونی انتخاب و مطالعات و برداشت نقشه‌های معماری و بررسی و تحلیل آنها انجام شد. مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های کلیدی پس از آماده و منظم شدن، تحلیل و در نهایت گونه‌های غالب مسکن روستایی استان مشخص گردید.

برای بررسی معماری خانه‌های روستایی استان مرکزی، شناخت محیط و عوامل مولد آن اهمیت زیادی دارد. چنین شناختی می‌تواند از بستر محیطی که روستاها در آن استقرار یافته‌اند آغاز شود. استان مرکزی از کانون‌های تاریخی استقرار در فلات ایران است که تقریباً در مرکز جغرافیایی ایران قرار گرفته است. در دوران معاصر و پنجاه سال اخیر این استان به مرکزیت اراک شکل گرفت و توسعه راه‌آهن و احداث کارخانجات مختلف چهره آن را دگرگون کرده است. صنایع فلزی، نساجی، کانی غیرفلزی، شیمیایی و پتروشیمی، دارویی و غذایی عمده صنایع استان محسوب می‌شوند. اقتصاد استان، به ترتیب اهمیت شامل بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی است. براساس آخرین تقسیمات کشوری از ۱۲ شهرستان، ۲۳ بخش، ۳۲ شهر، ۶۶ دهستان، ۱۶۳۹ آبادی دارای سکنه و خالی از سکنه تشکیل شده است. شهرستانهای آن شامل اراک، ساوه، خمین، خنداب، محلات، سربند (شازند)، تفرش، فراهان، دلپجان، آشتیان، کمیجان و زرنديه است.

این استان بخشی از فلات مرکزی ایران است که بین رشته کوه‌های البرز و زاگرس و در مجاورت کویر مرکزی ایران بین مدار ۳۳ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی؛ و ۴۸ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۵۱ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. از لحاظ ویژگی‌های توپوگرافی ۹۱/۳۳ درصد مساحت آن کوه، ۹۳/۱۴ درصد تپه‌ها و ۷۶/۱۳ درصد

فراپی منزل، کوی، محله و ده را در امتداد یکدیگر، و لازمه روند زندگی اجتماعی انسان دانسته است. (صدیق سروستانی و دیگران، ۱۳۸۵) سکونت‌گزینی انسان در طول تاریخ حیات وی هماهنگ و متناسب با چنین زندگی اجتماعی و دگرگونی‌های اقتصادی و گسترش امکانات فناوری بوده که تغییرات آن را می‌توان در سیمای سکونتگاه‌ها و معماری آنها در ادوار مختلف تاریخ مشاهده نمود. معماری روستایی از چنین قاعده‌ای مجزا نبوده و همیشه با ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و امکانات فنی و محیطی جامعه پیوند نزدیک داشته و پابندی به ارزش‌ها و آداب و سنن همیشه در آن حاکم بوده است. معماری بومی نتیجه و محصول چنین جوامعی است که ضمن حراست و توسعه سنت به حفظ ارزش‌های حاکم بر جامعه و تداوم فرهنگی آنها کمک می‌نماید (Rapaport, 1982) و بناهای متعلق به سنت مردمی، ترجمان مستقیم و ناخودآگاه نیازها، ارزش‌ها و همچنین تمایلات و غرایز یک قوم به زبان فرهنگ مادی آن ملت هستند (همان، ۱۳۸۸) روستاها کانون‌های جمعیتی هستند که وجود آنها وابسته به فعالیت و تولیدات کشاورزی، دامی، باغی و فعالیت‌های وابسته به زمین و کالبد آنها به نحوی سازمان یافته که پاسخگوی چنین فعالیت‌هایی باشد. (زرگر، ۱۳۷۸). اقتصاد مناطق روستایی ایران وابسته به فعالیت‌های کشاورزی، باغداری، دامپروری و فعالیت‌های وابسته به آنهاست که معمولاً به صورت سنتی یا نیمه مدرن است و میزان تحول کالبدی روستاها معمولاً به اندازه ثابت ماندن یا تغییر این فعالیت‌ها بوده است. از منظر معماری مسکن عمده‌ترین بخش کالبد روستایی است که نقش اساسی در شکل‌گیری بافت و هویت معماری روستا دارد (سرتیپی پور، ۱۳۹۰). تحولات دوره معاصر باعث فاصله گرفتن از الگوهای بومی و روی آوردن به الگوهای جدیدی شده که در مواردی نابسامانی کالبدی و ناهماهنگی فضای مسکن با نیازهای زیستی - معیشتی را بدنبال داشته است. معاصر سازی آگاهانه خانه روستایی و انطباق آن با نیازهای امروزی جامعه بنحوی که هم پاسخگوی نیاز امروزی و هم در تداوم ارزش‌های معماری کهن باشد مستلزم اطلاع و آگاهی از اصول شکل‌گیری معماری بومی و ارزش‌های محلی آن است. ضرورت توجه به چنین ویژگی مهم‌ترین دلیل تهیه طرح گونه‌شناسی مسکن روستایی در استان مرکزی است. شناخت مسکن روستایی استان و اطلاع از الگوهای رایج مبنایی ارزنده برای طراحی، ساخت، ترویج، و آموزش قواعد و قوانین حاکم بر شکل‌گیری آنها محسوب می‌شود.

داده‌ها و روش کار

این تحقیق در گروه تحقیقات پیمایشی مبتنی بر برداشت میدانی، مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل منطقی و استقراء است. از

قانونمندی‌های محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (تفکیک عرصه‌های مرتعی، کشاورزی و باغداری، و مسکونی) شکل گرفته است. خودکفایی و انگیزه‌های قوی حیات و تولید در طول تاریخ به شکل‌گیری راه‌های مناسب برای کنار آمدن و همزیستی با طبیعت یا مهار و بهره‌وری آن برای تامین نیاز انجامیده است. از طرفی زندگی روستایی و نوع فعالیت‌های نشأت گرفته از آن ویژگی‌های خاصی به بافت و مسکن روستاهای استان داده و به شکل‌گیری فضاهایی با عملکرد اجتماعی مانند گره‌ها و مراکز تجمع درون بافت، یا با عملکردهای مذهبی فرهنگی مانند مساجد، حسینیه و تکیه (روستاهای تفرش و آشتیان)، همچنین فضاهای معیشتی درون بافت (خرمن جا، فضاهای شیردوشی و ...؛ و درون مسکن (فضاهای معیشتی درون واحد مسکونی) انجامیده است (سرتیپی پور، ۱۳۸۹). از نظر اقلیمی تراکم بافت روستاها در آب و هوای معتدل استان کم، اما در پهنه‌های سرد بیشتر است. تراکم بافت در مناطق سرد باعث می‌شود تا تبادل حرارت فضاهای درون و بیرون به حداقل برسد. در مقیاس مسکن، خانه‌های روستایی استان تا چند دهه گذشته کانون فعالیت‌های زیستی، تولیدی و معیشتی بوده است. چنین ویژگی در مقایسه با مسکن شهری که فضایی صرفاً زیستی است، شکل‌گیری مجموعه‌ای از عملکردهای متنوع و متعدد زیستی و معیشتی را بدنبال آورده که از خصوصیات بارز خانه‌های روستایی استان است. فضاهای بخش زیستی شامل اتاق‌ها، ایوان، حیاط، انبار مواد غذایی، مطبخ، انبار وسایل، فضاهای بهداشتی (مانند مستراح و حمام) و فضاهای معیشتی شامل آغل، طولیله، کاهدان، بهاربنده، زاغه و فضای نگهداری محصولات کشاورزی و باغی است. عناصر سازه‌ای مسکن شامل پی، کرسی چینی، دیوار، ستون و سقف عمدتاً از مصالح بنایی ساخته می‌شود و شامل سنگ، آجر، خشت برای کرسی چینی و دیوارها؛ و تیر چوبی برای پوشش سقف است. در سال‌های اخیر با اجرای طرح بهسازی مسکن روستایی مصالح جدید در حال جایگزینی مصالح سنتی است. اجزاء و عناصر فضایی مسکن بومی شامل: اتاق، ایوان، حیاط، ... است که در ادامه مقاله به آنها می‌پردازیم.

اتاق

اتاق‌ها فضایی ساده با یک یا دو بازو و چند طاقچه است که معمولاً چند عملکردی است و برای استراحت، نشیمن، خوردن و خوابیدن است. بخش زیستی خانه عمدتاً مجموعه‌ای متشکل از یک یا چند اتاق مجاور به هم است که گاه مستقیماً در مجاورت فضای باز و گاه به ایوانی که در جلوی آنها ست باز می‌شود. (شکل ۱)

ایوان

فضایی نیمه باز نیمه محصور است که حد فاصل فضای بسته و باز

فلات^۱ و مابقی دشت است. اختلاف ارتفاع بین پست‌ترین نقطه استان در دشت ساوه با ارتفاع ۹۵۰ متر از سطح دریا و بلندترین نقطه (قله شهباز با ۳۳۸۸ متر ارتفاع)، حدود ۲۴۰۰ متر می‌باشد و این اختلاف سطح از عوامل مهم در تنوع اقلیمی و آب و هوایی است. میانگین بارش سالانه از ۱۷۰ میلی‌متر در دشت ساوه و برخی نواحی جنوب شرقی، تا ۴۵۰ میلی‌متر در ارتفاعات بالای ۲۰۰۰ متر است. میانگین سالانه دما از ۱۸ درجه سانتیگراد در دشت ساوه تا ۴ درجه سانتیگراد در ارتفاعات متغیر است.

تا قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۳، زندگی در بخش عمده روستاهای استان عمدتاً مبتنی بر نظام ارباب و رعیتی بود. در این نظام زمین و ابزار متعلق به مالکین، و نیروی انسانی که کاشت و داشت و برداشت را انجام می‌دادند افراد روستایی بودند. در چنین نظامی، برای حداکثر بهره‌برداری زمین‌های حاصلخیز به کشاورزی یا باغداری و قسمت‌هایی که کمترین قابلیت کشاورزی را داشتند برای سکونت اختصاص می‌یافت. بعد از اصلاحات ارضی و واگذاری زمین‌های کشاورزی به روستائیان و برخورداری آنان از ساخت و ساز در زمین‌هایی که قبلاً بدون اجازه ارباب امکان دخالت در آن را نداشتند تغییر در اراضی روستایی و به تبع آن سازمان فضایی روستاها آغاز شد. از سوی دیگر، اندکی بعد از اصلاحات ارضی و تحولات صنعتی شدن کشور، خصوصاً در استان مرکزی، شرایطی به‌وجود آمد که بسیاری از روستائیان محل خود را ترک و به شهرها مهاجرت نمودند. بر این اساس، ساختار اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی استان تا قبل از صنعتی شدن و استقرار صنایع مادر، عمدتاً روستایی و مبتنی بر روستانشینی و تولید محصولات کشاورزی، باغداری و پرورش دام بوده است. اما تحولات مربوط به صنعتی شدن استان هر چند تا حدودی به نیمه مکانیزه شدن کشاورزی منجر شد اما تغییر ذائقه روستائیان و جاذبه‌های سکونت در شهر از رونق روستانشینی کاسته و باعث جذب بسیاری از جوانان روستایی در صنایع استان و شهرنشینی شده است. علی‌رغم فراز و نشیب‌ها و تحولات مذکور بخش کشاورزی از مهمترین و تواناترین بخش‌های اقتصادی و تامین کننده تمام نیازهای غذایی استان است بطوریکه ۵/۲۶ درصد شاغلین استان در این بخش فعالیت می‌نمایند. همچنین حدود ۳۰۰۰ خانوار عشایری (۴/۰ درصد جمعیت استان) در محدوده استان زندگی می‌کنند که در روستاها، بیلاقات و مراتع اسکان یافته و به پرورش دام اشتغال دارند.

شرح و تفسیر نتایج

سکنی‌گزیدن مترادف با گزینش و استقرار سکونتگاه است؛ از این رو تعمق در خصوصیات بافت‌های روستایی که سکونت و مکان را دربر می‌گیرد ضروری است. کالبد روستاها و آبادی‌های استان متناسب با جغرافیا و اقلیم منطقه و تحت تأثیر

۱. فلات یا نجد در زمین‌شناسی منطقه ای کوهستانی است که دارای زمینی تخت و هموار باشد.



شکل ۱: اتاق دارقالی و نشیمن در روستای ازبیزان (طرح گونه شناسی، ۱۳۸۹)

حیاط

شاید مهمترین فضای خانه روستایی را بتوان به حیاط که فضایی باز است اطلاق نمود. این فضا نقطه آغاز و انجام بسیاری از فعالیت‌ها محسوب می‌شود بطوریکه تصور خانه بدون حیاط در روستاهای استان تقریباً محال است. فضای حیاط در عین کارکردهای مختلفی که دارد رابط بین فضاهای بسته نیز می‌باشد. در برخی مناطق فضاهای بسته دور تا دور خانه مستقر می‌شود به طوریکه حیاط کاملاً محصور و به عنوان مرکز فضایی و

است که دارای عملکردهای زیستی و گاه تولیدی است. تقریباً تمام فعالیت‌های درون اتاق در فصول مناسب قابل انتقال به ایوان است. همچنین ممکن است بخشی از فعالیت‌های تولیدی مانند خشک کردن محصولات باغی، تولید صنایع دستی و ... در این فضا صورت پذیرد. ایوان در طبقه همکف، یا طبقه اول، و گاه در هر دو طبقه وجود دارد. بیش از نیمی از خانه‌های استان (۶۵ درصد) دارای ایوان هستند که جهت غالب آن‌ها رو به جنوب است. (شکل ۲)



شکل ۲: خانه دو ایوانی در روستای شاهسون کندی سفلی (طرح گونه شناسی، ۱۳۸۹)

سوخت در دو سه دهه اخیر باعث شده این فضا کمتر مورد استفاده قرار گیرد و فعالیت‌های مربوط به آن به آشپزخانه که فضایی تمیزتر است منتقل شود. تنورخانه نیز از عناصر فضایی مهم خانه بوده که برای پخت نان یا شیرینی مورد استفاده قرار می‌گرفت. تنور خانه‌ها اغلب فضایی بسته در گوشه حیاط و گاه مشترک با مطبخ هستند (شکل ۳)

عملکردی قرار می‌گیرد. در نمونه‌های دیگر که فضاهای بسته در یک یا دو طرف آن قرار می‌گیرند، محصوریت کمتر است. میانگین مساحت حیاط نمونه‌های بررسی شده ۲۱۵ متر مربع است که نمایانگر نقش پراهمیت آن در مسکن است. واحدهای مسکونی واقع در مناطق سردتر، حیاط‌هایی کوچک با سطح کمتر دارند (طرح گونه شناسی، ۱۳۸۹).

انبار

این فضا به دو صورت با عملکردی در خدمت فضاهای زیستی، و یا برای پشتیبانی فضاهای معیشتی مشاهده می‌شود. در مواردی که کارکرد زیستی دارد معمولاً در ارتباط با مطبخ یا

مطبخ و تنورخانه

در گذشته ای نه چندان دور استفاده از سوخت هیزم یا فضولات خشک شده دام بسیار رایج بود. پخت و پز مواد غذایی با این سوخت‌ها و در فضای مطبخ انجام می‌گردید. تغییر الگوی



شکل ۳: راست مطبخ در محمود آباد، چپ انبار در یاسبلغ

گاه روی ورودی‌ها پوشیده و مسقف می‌شود و در برخی موارد در طرفین آن سکوهایی برای نشستن و گفتگو پیش بینی می‌شود که ضمن انجام این کارکردها تاکید بصری بیشتر بر آن را بدنبال دارد. (تصویر شماره ۴)

اتاق قرار دارد و عمده ترین عملکرد آن نگهداری وسایل و انبار کردن مواد غذایی است. چنانچه عملکرد معیشتی داشته باشد برای نگهداری تولیدات باغی و زراعی، مواد اولیه صنایع دستی یا محصولات دامی و علوفه دام‌ها است.

اجزاء و عناصر خرد معماری خانه

پله، درب، پنجره، طاقچه، رف، و ... از دیگر عناصر معماری هستند که در اکثر خانه‌ها مشاهده می‌شوند. پله عنصر دسترسی به طبقات بالا و پشت بام است که شکلی ساده دارد. پله‌ها در خانه‌های روستایی استان عصری کاملاً کارکردی هستند که این ویژگی در شکل و تناسب آن قابل مشاهده است. در جاهایی که از پله استفاده شده معمولاً تعداد آنها کم و ارتفاعی

فضاهای بهداشتی (حمام و مستراح)

فضاهای پوشیده، ساده و معمولاً با حداقل امکانات هستند که محصور و کوچک و به ابعاد تقریبی ۱.۵ در ۱.۵ و ارتفاع ۲.۵ متر هستند. معمولاً در گوشه حیاط و دور از فضاهای زیستی و محفوظ از دید ساخته می‌شوند. چنانچه روستا فاقد آب لوله کشی باشد، منبع آب در کنار یا بام آن‌ها نصب می‌شود و گاه چاه فاضلاب آنها مشترک است.

ورودی

فضایی برای برقراری امکان دسترسی از بیرون به درون خانه است. چون فضای درون خانه حریم اختصاصی خانواده محسوب می‌شود بعنوان رابط بین بیرون و درون عمل می‌نماید و ارتباط خارج با داخل از طریق آن میسر می‌شود. محل قرارگیری ورودی به نحوی است که اندرون خانه از دید افراد غریبه حفاظت شود. در واحدهای مسکونی که تعداد دام زیادی دارند گاه ورودی‌های انسانی و دامی مجزا می‌شود اما در بیشتر خانه‌ها خصوصاً واحدهایی که دام کمتری دارند ورودی مشترک است. ورودی خانه‌ها شکل ساده‌ای دارند و معمولاً چوبی و غالباً دولنگه‌اند.



شکل ۴: انواع ورودی خانه؛ از راست علی درزی، عزالدین، ازبیزان

با اجرای تخته کوبی که روی آن ها نقاشی شده تزئین می شوند و پوشش نهایی دیوارهای داخلی اتاق ها در اکثر خانه ها با گچ ساختمانی سفیدکاری می شود. (شکل ۶)

از نظر بصری نمای واحدهای مسکونی عموماً ساده و بی پیرایه، غالباً غیرمقارن و ترکیبی از سطوح مستطیل یا مربع است است که در عمق های متفاوت نسبت به هم قرار گرفته اند. شکل بازشوها تنوع زیادی ندارد و معمولاً یکنواخت است.

نوع مصالح اندود و پوشش نهایی نماها نقش تعیین کننده ای در هویت بومی محلی و زیبایی مسکن دارد. اندود کاهگل با استفاده از خاک محلی یا خاک های معدنی با رنگ متفاوت و بکارگیری گاه که روستائیان با آن آشنایی و قرابت دارند، ویژگی خاص به معماری آن ها داده است. چوب به دلیل ماهیت طبیعی و گرمی رنگ همنشینی مناسبی با دیوارهای کاهگلی بوجود آورده و رنگ و شکل طبیعی دلپذیری به نماها داده است. مصالح محلی به دلیل طبیعی و بومی بودن، رنگ، بافت و بوی خاصی دارند و جداره ها را گرم، قابل لمس و انسانی می نمایند. (شکل ۷)

حدود ۴۰ سانتیمتر دارند تا با حداقل سطح اشغال امکان ارتباط بین دو تراز را میسر کنند. درها و پنجره ها از دیگر عناصر ضروری و الحاقی هستند که علاوه بر تأمین دسترسی و حفظ امنیت، وظیفه تأمین نور و روشنایی فضاهای بسته را بعهده دارند. عرض درها معمولاً ۸۰ و ارتفاع آن ها ۱۸۰ سانتیمتر است و در خانه های قدیمی عموماً با چوب ساخته می شوند. عرض پنجره‌ها نیز از همین اندازه تبعیت می کند و سطح کوچکی دارند. در اکثر نمونه ها پنجره تمام قد مشاهده نمی شود و کف پنجره‌ها در ارتفاع حدود ۸۰ سانتی متری از سطح اتاق قرار دارد ارتفاع آن به طور معمول ۱۱۰ تا ۱۴۰ سانتی متر است. (شکل ۵)

رف ها و طاقچه ها از عناصری هستند که ضمن قرار گرفتن وسایل در آن ها، سطوح دیوارها را از یکنواختی خارج نموده و با ایجاد تنوع فضایی، نقش تزئین کننده ای ایفا می نمایند. این فضا در درون دیوارها تعبیه می شود و معمولاً به عرض حدود ۸۰ و ارتفاع ۱۰۰ سانتیمتر است. از جمله این کاربردها می توان به محل قرار گرفتن قرآن کریم، وسایل تزئینی نظیر چراغهای فتیله ای، آئینه، شمعدان و وسایل و ملزومات روزمره زندگی اشاره کرد. گاه پوشش زیرین سقفهایی که با تیر چوبی اجرا شده اند



شکل ۵: انواع پنجره های چوبی در روستای کوهین

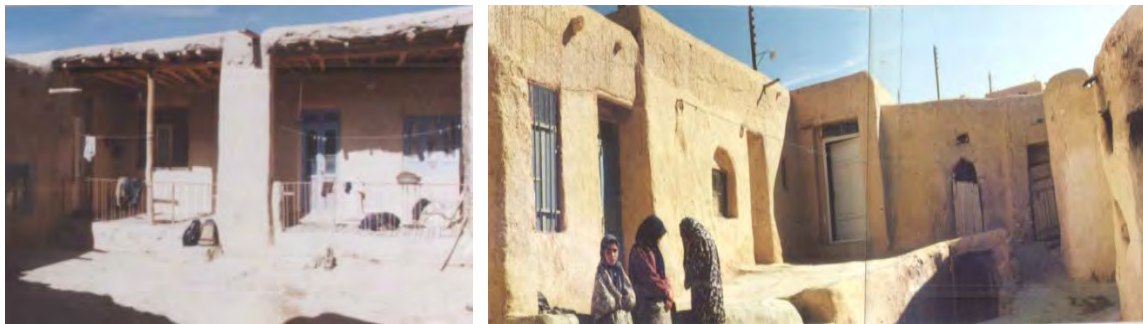


شکل ۶: عناصر تزئینی در فضاهای داخلی مسکن

سازماندهی بافت و فضای مسکن دارد. عمده ترین فضاهای معیشتی که در نمونه‌های مورد بررسی ملاحظه گردید به شرح ذیل است:

اجزاء و عناصر فضاهای معیشتی مسکن

فعالیت های تولیدی معیشتی بخش مهمی از زندگی روستائیان استان مرکزی است که تاثیر قابل توجهی بر



شکل ۷: سادگی نما و ترکیب ایوان با آن؛ راست، فیض آباد، چپ، موسی آباد

بخش زیرین ساختمان و در بناهای یک طبقه در کنار فضاهای مسکونی قرار دارد. در مناطق سردسیر که سرمای زمستان ممکن است باعث بیماری یا تلف شدن دام شود فضایی در زیرزمین حفر می کنند که زاغه می نامند. این فضا به دلیل قرار گرفتن در زیرزمین از نوسانات دمای بیرون مصون است و فضایی گرم و مناسب برای نگهداری دام ها در زمستان محسوب می شود. در ایامی مانند بهار و تابستان که فضای بیرون مناسب است برای نگهداری دام ها فضایی روباز (بدون سقف) که با پرچین محصور شده در مجاورت طویله و انبار علوفه در نظر گرفته می شود که به آن بهار بند می گویند. (شکل ۸)

همنشینی و ارتباط عرصه‌های زیستی و دامی به اشکال مختلفی مشاهده می‌شود (سرتیپی پور، ۱۳۸۹). در برخی خانه‌ها ورودی مجزایی برای دام‌ها در نظر گرفته می‌شود. در این نوع خانه‌ها معمولاً عرصه دامی از عرصه زیستی جدا است. در گروهی دیگر ورودی دام و انسان مشترک است و فضای دامی در نزدیکی ورودی و فضای زیستی در انتهای واحد مسکونی قرار گرفته و ارتباط بین ورودی، فضای دامی و انسانی از طریق مسیر مشترکی انجام می‌شود. در برخی نمونه‌های دیگر که ورودی دامی و انسانی

انبار علوفه

فضایی است که علوفه مورد نیاز دام ها در آنجا نگهداری می شود. در خانه هایی که تعداد دام کم است گاه کاهدان و آغل به صورت مشترک فضایی واحد را تشکیل می دهند. در خانه هایی که فعالیت های کشاورزی یا باغداری انجام می شود برای نگهداری ابزار و ماشین آلات کشاورزی، بذر، سم، کود و... انبارهایی به همین منظور ساخته می شود.

آغل

فضای نگهداری دام ها است که نقش مهمی در ارتزاق و تامین معیشت دامداران دارد. این فضا عرضی حدود ۳ متر و طولی حدود ۶ متر با ارتفاع بین ۲ تا ۲.۵ متر دارد. چنانچه تعداد دام ها زیاد باشد، طول فضا اضافه و یا تعداد آغل ها بیشتر می شود. در صورت کم بودن تعداد دام ها فضای نگهداری دام‌های بزرگ و کوچک مشترک می شود اما محدوده نگهداری آنها با پرچینی که در محدوده آغل ساخته می شود از یکدیگر مجزا می گردد. آغل در مناطق کوهستانی و سردسیر که واحدهای مسکونی دو طبقه اند عموماً در طبقه همکف و در



شکل ۸: راست، آغل چرمک، چپ، بهار بند عزالدین

شماره ۱ دسته بندی شده اند که ویژگی های عمده آن ها به شرح ذیل می باشد. (سرتیپی پور، ۱۳۸۹)

گونه مسکونی شماره ۱

سازمان فضایی این گونه بنحوی است که فضای پر در دو سمت عرصه قرار دارد و حیاط بین آن‌ها قرار گرفته است. متوسط نسبت فضای پر به خالی در این گونه ۰/۸۶ می‌باشد و تقریباً نیمی از واحدهای مسکونی این گونه دو طبقه می‌باشند. در اینوع گونه معمولاً فضاهای زیستی در یک طرف حیاط و فضاهای خدماتی یا معیشتی در ضلع دیگر قرار گرفته‌اند. حیاط با متوسط

مشترک دارند فضاهای زیستی و دامی دورتادور حیاط قرار گرفته اند و فضای باز (حیاط) حد فاصل بین آنها قرار می گیرد که بخشی از آن به بهاربند اختصاص داده می شود. در نوع دیگر خانه ها، فضاهای دامی در طبقه همکف و فضاهای انسانی در طبقه فوقانی قرار گرفته اند. در گروهی دیگر از خانه ها که عمدتاً در مناطق سردتری هستند زیرزمین یا فضای زاغه در زیر طبقه همکف یا حیاط ایجاد می شود. (شکل ۹)

مجموع ۱۰۲ واحد مسکونی نمونه در این پژوهش با توجه به نحوه ترکیب فضای پر و خالی (استقرار توده و فضا)، وجوه اشتراک، تفاوت ها و تمایز بین آن ها در ۶ الگوی کلی در جدول

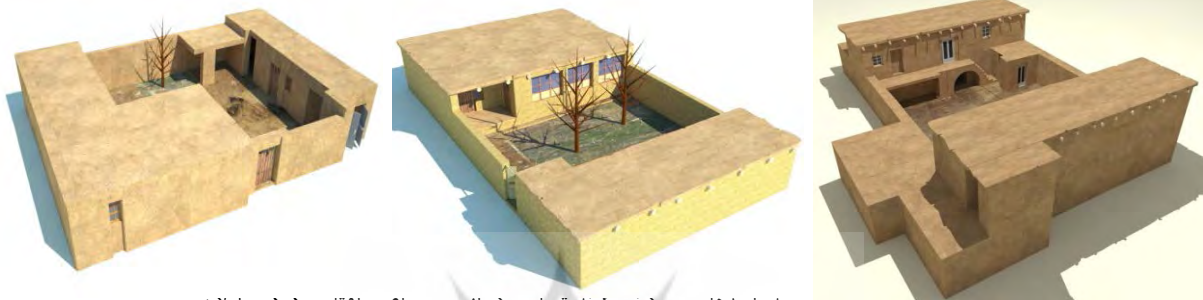
جدول شماره ۱: الگوهای کلی مسکن در روستاهای استان مرکزی

شماره گونه	شکل کلی	ویژگی توده	میانگین نسبت فضای پر به خالی	مصادیق فضایی	نام روستا
۱		توده فضا در دو ضلع مقابل به هم و حیاط مابین آن‌ها	۰/۸۶		نورعلی بیک چرمک امیریه
۲		توده فضا در دو ضلع مجاور هم (شکل L) و حیاط بین آن‌ها	۰/۸۷		نورعلی بیک سوسن آباد حک علیا
۳		توده فضا در سه ضلع مجاور به هم (U) که حیاط درون آن‌ها قرار گرفته است.	۱/۴۳		نورعلی بیک ساقی موچان قدمگاه
۴		وجود حیاط (فضای خالی) در طرفین توده فضا و اختصاص حیاط به عملکرد مجزای انسانی یا دامی	۰/۸۴		شاهسون کندی علی درزی ازنوجان
۵		توده فضا دور تا دور حیاط (الگوی حیاط مرکزی)	۲/۷		آجان ازبیزان موسی آباد امیریه
۶		توده فضا در یک ضلع و حیاط در جلوی آن	۰/۵۳		محمود آباد موچان حشمتیه چودان

۵۶ درصد آن‌ها رو به جنوب و بقیه رو به شرق و شمال قرار گرفته‌اند. میانگین نسبت سطح بازشوها ۲۰ درصد است. بررسی فعالیت‌های معیشتی خانوارهای ساکن در این گونه نشان می‌دهد اغلب ساکنین کشاورز (۶۲ درصد) هستند. از بقیه افراد ساکن در نمونه‌ها ۱۹ درصد کشاورزی - دامداری، ۱۸ درصد خدماتی و ۵ درصد دامداری می‌باشند. جنس مصالح دیوارها عمدتاً خشتی (۷۰ درصد) و مابقی آجری است و پوشش سقف‌ها غالباً مسطح

مساحتی برابر ۲۴۳ متر مربع نقش رابط و واسط فضاها را به عهده دارد و فعالیت‌هایی مانند شستشو، شیر دوشی دام در آن انجام می‌شود. جهت کشیدگی ۶۱ درصد خانه‌ها شمالی جنوبی، و ۳۴ درصد شرقی غربی است و ورودی‌ها معمولاً در جنوب و شرق قرار دارد. (تصویر شماره ۹)

متوسط مساحت زمین ۵۹۹ متر مربع با سطح اشغال ۲۵۳ متر مربع است. متوسط سطح زیربنای زیستی ۱۹۸ و زیربنای دامی/ معیشتی ۹۹ متر مربع است. ۴۲ درصد واحدهای مسکونی فاقد ایوان و از مجموع واحدهای مسکونی دارای ایوان،



شکل ۹: دید سه بعدی به واحدهای مسکونی گونه شماره یک از چپ: باغ بر افتاب، درب، طرلان

که علاوه بر عملکردهایی چون شستشو، شیر دوشی دام و سبزی کاری نقش رابط و واسط فضاها را به عهده دارد. (تصویر شماره ۱۰)

۴۵ درصد واحدهای مسکونی این گونه فاقد ایوان می‌باشد و از مجموع واحدهای مسکونی دارای ایوان، نیمی رو به جنوب و مابقی به ترتیب رو به شمال، شرق و غرب قرار گرفته‌اند. متوسط مساحت فضاهای انسانی شامل فضای باز و بسته، ۳۷۷ متر مربع و فضاهای باز و بسته دامی ۱۰۱ مترمربع می‌باشد. متوسط سطح زیربنای زیستی ۱۷۹ متر مربع است که ۷۰ متر مربع به اتاق‌ها اختصاص دارند و زیربنای دامی/ معیشتی، ۶۱ متر مربع است. ۳۵ درصد فضاهای دامی در غرب، ۲۵ درصد در شمال و مابقی در دیگر جهات استقرار یافته‌اند. میانگین نسبت سطح بازشوها ۲۶/۲۰ درصد است. ۶۸ درصد واحدهای مورد استفاده این‌گونه

مابقی آجری است و پوشش سقف‌ها غالباً مسطح (۸۰ درصد) با استفاده از تیر چوبی و بقیه طاقی می‌باشند. بیشتر واحدهای مسکونی این گونه (۶۸ درصد) در اقلیم نیمه خشک فراسرد، و بقیه به ترتیب در اقلیم نیمه خشک سرد، و خشک نیمه بیابانی سرد قرار گرفته‌اند.

گونه مسکونی شماره ۲

در این گونه توده‌های پر به صورت L شکل در دو ضلع مجاور زمین قرار گرفته و باقیمانده فضا به حیاط اختصاص یافته است. نسبت فضای پر به خالی ۰/۸۷ است و اکثر واحدهای مسکونی این گونه (۶۵ درصد) دو طبقه می‌باشند. در این گونه فضاهای زیستی در یک ضلع و فضاهای خدماتی یا معیشتی در ضلع دیگر قرار گرفته‌اند. متوسط مساحت زمین خانه‌ها ۴۳۱ متر مربع است که ۲۰۶ متر مربع آن فضای پر و مابقی فضای خالی است. میانگین مساحت حیاط ۱۹۴ متر مربع است



شکل ۱۰: دید سه بعدی به واحدهای مسکونی گونه شماره دو، از چپ حک علیا، هزاوه، موجان

فضاهای خدماتی یا معیشتی در اضلاع دیگر قرار می‌گیرد. میانگین مساحت حیاط ۱۵۰ مترمربع است که علاوه بر انجام عملکردهایی چون شستشو، شیر دوشی و نگهداری دام، نقش رابط و واسط فضاها را به عهده دارد. (شکل ۱۱)

متوسط مساحت زمین واحدها ۳۹۶ متر مربع است که ۲۳۳ متر مربع آن فضای پر و مابقی فضای خالی است. متوسط سطح زیربنای زیستی ۲۰۷ متر مربع و مساحت اختصاص یافته به اتاقها ۷۸ متر مربع و سطح زیربنای دامی/ معیشتی ۸۷ متر مربع است. میانگین نسبت سطح بازشوها ۱۹/۸۵ در صد است. معیشت غالب در ۶۱ درصد واحدها کشاورزی، ۹ درصد کشاورزی-دامداری، ۱۸ درصد خدماتی و ۱۲ درصد دامداری است.

جنس مصالح دیوارها خشتی (۷۸ درصد) و بقیه آجری است و ۶۴ درصد پوشش سقفها با استفاده از تیر چوبی، و بقیه به ترتیب

متعلق به کشاورزان، ۶ درصد کشاورز - دامدار و ۲۶ درصد شغل خدماتی دارند. جنس مصالح دیوارها عمدتاً خشتی (۶۷ درصد) و بقیه از آجر است و پوشش سقفها مسطح (۷۴ درصد) و با استفاده از تیر چوبی و بقیه به صورت طاقی است. ۴۸ درصد واحدهای مسکونی این گونه در اقلیم نیمه خشک فراسرد، ۳۱ درصد در اقلیم نیمه خشک سرد، و بقیه به ترتیب در اقلیم خشک نیمه بیابانی سرد، و نیمه مرطوب فراسرد قرار گرفته اند.

گونه مسکونی شماره ۳

توده فضای پر در این گونه در سه ضلع زمین به صورت U شکل قرار گرفته و حیاط بین این سه ضلع واقع شده است. نسبت فضای پر به خالی ۱/۴۳ می‌باشد اکثر واحدهای مسکونی این گونه (۷۳ درصد) دو طبقه می‌باشند. گونه مذکور در میان گونه های ۶ گانه با ۳۴ درصد رایج ترین الگوی مسکن استان است. در این گونه فضاهای زیستی معمولاً در یک طرف حیاط و



شکل ۱۱: دید سه بعدی به واحدهای مسکونی گونه شماره سه از چپ عمارت، کرک، ساقی

واحدهای مسکونی این گونه دارای ایوان می‌باشند که از مجموع آنها نیمی رو به جنوب یک سوم رو به شرق و مابقی در دیگر جهات قرار گرفته‌اند. متوسط سطح زیربنای زیستی ۳۵۷ است که ۱۰۶ متر مربع به اتاقها اختصاص دارد. سطح زیربنای اختصاص یافته به فضاهای دامی/ معیشتی در نمونه‌های مورد بررسی، ۲۲۵ متر مربع است و اغلب افراد ساکن در این الگو دامدار هستند. جنس مصالح دیوارها خشتی است و ۵۷ درصد از پوشش سقفها مسطح و با استفاده از تیر چوبی و مابقی طاقی است. میانگین نسبت سطح بازشوها ۲۳ در صد است و ۶۰ درصد از واحدهای مسکونی این گونه در اقلیم نیمه خشک فراسرد و مابقی در اقلیم خشک بیابانی سرد واقع گردیده‌اند.

طاقی و نسبت اندکی فلزی است. ۵۵ درصد واحدهای مسکونی این گونه در اقلیم نیمه خشک فراسرد، و بقیه به ترتیب در اقلیم نیمه خشک سرد، و خشک نیمه بیابانی سرد واقع گردیده‌اند.

گونه مسکونی شماره ۴

در این گونه توده فضا در دو قسمت مجزا به نحوی قرار گرفته اند که در عمل واحد مسکونی دارای دو حیاط در طرفین توده‌های فضایی می‌شود. نسبت فضای پر ۰/۸۴ برابر فضای خالی می‌باشد و ۶۰ درصد واحدهای مسکونی دو طبقه می‌باشند. در این گونه معمولاً فضاهای زیستی، خدماتی و دامی به صورت توده مستقل قرار می‌گیرند. میانگین مساحت حیاطها ۴۸۹ متر مربع است و حیاط علاوه بر عملکردهایی چون شستشو و شیر دوشی دام، نقش رابط و واسط فضاها را به عهده دارد. (شکل ۱۲)

متوسط مساحت زمین واحدها ۹۱۸ متر مربع است که ۴۱۶ متر مربع آن فضای پر و مابقی فضای خالی است. اکثر

گونه مسکونی شماره ۵ (حیاط مرکزی)

توده فضاهای پر در این گونه دورتادور عرصه قرار دارد و حیاط در مرکز توده واقع می‌شود. فضای پر ۲/۷ برابر فضای خالی

سایر گونه‌ها علاوه بر عملکردهایی چون شستشو و شیر دوشی

می‌باشد و حدود ۵۷ درصد واحدهای مسکونی دو طبقه می‌باشند. میانگین مساحت حیاط ۹۶ متر مربع است و مانند



شکل ۱۲: دید سه بعدی به واحدهای مسکونی گونه شماره چهار از چپ عمارت، از نوجان

واحدها دارای معیشت غالب کشاورزی و بقیه به یک نسبت دارای معیشت‌های دیگر می‌باشند. جنس مصالح، تمامی دیوارها خشتی است و ۷۱ درصد پوشش سقفها مسطح و با استفاده از تیر چوبی و مابقی طاقی است. میانگین نسبت سطح بازشوها ۲۱/۴ درصد است. اکثر افراد ساکن در این ۸۶ واحدهای مسکونی این گونه در اقلیم نیمه خشک فراسرد و مابقی در اقلیم نیمه خشک سرد واقع شده‌اند.

دام، نقش رابط و واسط فضاها را به عهده دارد. (شکل ۱۳) متوسط مساحت زمین واحدها ۴۴۹ متر مربع است که ۳۲۳ متر مربع آن فضای پر و مابقی فضای خالی است. متوسط سطح زیربنای زیستی ۲۴۴ متر مربع است که ۱۰۹ متر مربع آن به اتاقها اختصاص یافته است. متوسط سطح زیربنای دامی/ معیشتی ۱۲۳ متر مربع است و دوسوم آنها در غرب و مابقی در دیگر جهات قرار گرفته اند. ۵۷ درصد ساکنین این



شکل ۱۳: دید سه بعدی به واحدهای مسکونی گونه شماره پنج ساقی، حک علیا، از بیزان

است. ۸۱ درصد واحدهای مسکونی این گونه دارای ایوان می‌باشند که ۶۸ درصد در جنوب و مابقی در شرق و تعداد کمتری در غرب قرار گرفته‌اند. متوسط سطح زیربنای زیستی ۱۷۷ مترمربع است که ۷۴ متر مربع آن به اتاقها اختصاص یافته است. متوسط سطح زیربنای دامی/ معیشتی ۴۸ متر مربع است و بیشتر خانوارهای ساکن در این نمونه ها کشاورز هستند. جنس مصالح دیوارها خشتی (۵۶ درصد) و بقیه آجری است و سقفها عمدتاً مسطح (۶۵ درصد) و با استفاده از تیر چوبی، و بقیه طاقی و تعداد کمی فلزی است. میانگین نسبت سطح بازشوها ۲۴/۶۸ درصد است. ۴۶ درصد واحدهای مسکونی این

گونه مسکونی شماره ۶

در این گونه توده فضای پر در یک ضلع و حیاط در طرف دیگر عرصه است. فضای پر ۰/۵۳ فضای خالی است و ۷۰ درصد واحدهای مسکونی دو طبقه می‌باشند. فضاها زیستی و معیشتی در این گونه هر دو در یک طرف قرار گرفته اند. میانگین مساحت حیاط ۲۶۲ متر مربع است که به باغچه، پارکینگ و فضای شستشو و دیگر فضاها معیشتی اختصاص می‌یابد. (شکل ۱۴) متوسط مساحت زمین واحدها ۴۰۰ متر مربع است که ۱۳۸ متر مربع آن فضای پر و مابقی فضای خالی است. متوسط زیربنای کلی این خانهها حدود ۲۰۴ مترمربع

گونه در اقلیم نیمه خشک فراسرد، ۳۱ درصد در اقلیم نیمه خشک سرد، و بقیه به ترتیب در اقلیم خشک بیابانی سرد، و نیمه مرطوب فرا سرد واقع گردیده‌اند.



شکل ۱۴: دید سه بعدی به واحدهای مسکونی گونه شماره شش از چپ خاوه، حشمتیه، موجان

فناوری رایج محلی شکل گرفته‌اند. محصول چنین ترکیبی از عناصر و قواعد، شکل‌گیری خانه‌هایی است که ضمن وجوه تفاوت و اشتراک دارای روحیه و جوهره مشترکی است که می‌توان خانه‌های روستایی استان مرکزی را به آنها اطلاق نمود و از خانه‌های دیگر مناطق متمایز نمود. براساس تفکیک و طبقه‌بندی نمونه‌ها ۶ الگوی رایج بومی در روستاهای استان وجود دارد که از میان آنها سه گونه شماره یک، دو و سه فراوان‌ترین نوع در جامعه نمونه، و گونه شماره سه غالب‌ترین و رایج‌ترین گونه است که در بیشتر روستاهای مورد بررسی تکرار شده است. توجه به خصوصیات و ارزش‌هایی که در الگوهای معرفی شده وجود دارد و حاصل اندیشه و آزمون خطای گذشتگان است این پیام را در خود به همراه دارد که بجای رودر رو قرار گرفتن و مواجهه حذفی با الگوهای مذکور که شیوه غالب اکثر طرح‌هاست، با اهمیت به ارزش‌های پایدار و رایج آنها نوعی از معماری مسکن که در تداوم ارزش‌های کهن، و پاسخگو و متناسب با نیازهای معاصر جامعه روستایی استان است بیافرینیم.

نتیجه‌گیری

معماری مسکونی روستایی استان مرکزی متأثر و شکل گرفته از وجوه متعددی است که بنا به شرایط مکانی و زمانی در روستاهای مختلف و با اثرات متفاوت مشاهده می‌شود. نتایج مطالعات نشان می‌دهد مسکن و بافت در روستاهای مورد بررسی متأثر از قانونمندی و رعایت ضوابط و معیارهایی است که هر چند مکتوب نشده اما در طرح‌واره‌های آن در ذهن و عمل معماران و بنایان محلی وجود داشته است. رعایت این قوانین که در عرف محل رایج و مورد قبول مردم بوده منجر به استفاده از الگوهای طراحی، مصالح و فنون ساختی گردیده که علی‌رغم کاستی‌های موجود نتیجه آن وحدت و هماهنگی است که در معماری بومی روستاهای استان مشاهده می‌شود.

از بررسی نمونه‌های برداشت شده می‌توان به این جمع بندی رسید که خانه‌های روستایی استان مجموعه‌ای از عناصر و اجزاء مختلف است که بر اساس قواعد برگرفته از دانش جغرافیایی، خصوصیات فرهنگی اجتماعی، اقتصادی معیشتی، و

علی الحسابی، مهران، (۱۳۷۱). *الگوی مسکن روستایی (پژوهشی در معماری روستایی استان خراسان)*. تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله و دیگران، (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی: تاریخچه جامعه‌شناسی، پژوهش‌ده حوزه و دانشگاه*. انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.

طرح هادی روستاهای ازیبزان، چلسبان، عزالدین، کوهین، نورعلی بیگ، یاسیلاغ، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان مرکزی.

کاتالدی، جان کارلو، (۱۳۸۶). *گونه شناسی اولیه*. مترجم غلامحسین معماریان، تهران، نشر دنیای نو، تهران.

کسمایی، مرتضی، (۱۳۷۸). *اقلیم و معماری*. انتشارات بازتاب با همکاری شرکت خانه سازی ایران، تهران.

منابع

راپاپورت، اموس، (۱۳۷۶) *منشاء فرهنگی مجتمع‌های زیستی*، ترجمه راضیه رضازاده، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

(۱۳۸۸). *انسان شناسی مسکن*. ترجمه خسرو افضلیان، تهران، انتشارات حرفه هنرمند، تهران.

زرگر، اکبر، (۱۳۷۸). *درآمدی بر معماری روستایی*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

سرتیبی پور، محسن و همکاران، (۱۳۸۹). *گونه شناسی مسکن روستایی استان مرکزی*، معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

(۱۳۹۰). *"پدیدارشناسی مسکن روستایی"*، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳.

- Rapaport, A(1982). The meaning of the built environment: a non- verbal communication approach, Beverly Hills: Sage Publication, 1982.

مرکز آمار ایران، فرهنگ سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
مونوگرافی های معماری روستایی استان مرکزی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.

The People Accepted of Vernacular Housing Architecture in Markazi Province villages

Iran is a vast country with a diverse national, regional geographical condition which 60% of its expanse is in the rural areas. More than 63898 villages with the population about 23 million (Statcal Centre of Iran 1385) exists in the country which, with the special economic, social and cultural characteristics play an important role in the production and the supply of food requirements, independence and security in this region.

Through recent years, supplying villagers with adequate environment and housing have been the main concern. The process of major actions such as preparation and implementation of rural detailed planning, and the national planning of building 200000 housing units annually, have influenced the fabric and physical arrangements of villages. Markazi Province with 419184 people and 1278 villages has occupied 29125 square kilometers of the whole country (1.8%). According to year 85 statistics of Statcal Centre of Iran, 99842 rural housing units exists in this state that the reconstruction of these units is the major aim of national improvement planning of rural housing. Providing adequate environment and housing without the knowledge about rural architectural characteristics is a though or maybe non-achievable job.

Existence of worthy vernacular housing typologies in the state and the need for knowledge about characteristics and preservation of the sustainability values, have made the need of architectural studies in the field of housing very important.

The forth article which have been prepared with the aim of introducing the dominant housing typologies of Markazi province is in 3 phases. The first part analyses the general aspects, introduction, methodology and determining the villages and sample housing units and introducing the Markazi Province. The second part is specified to defining rural fabric characteristics, physical arrangements, housing typologies and their elements. The third part is dedicated to analysis, conclusion and determination of dominant housing typologies and accepted housing in Province villages.